

کارکردهای مجازات جایگزین
حبس در کاهش جمعیت کیفری
زندان های کشور

مولفین

مهدی رضایی مقدم

مدرس دانشگاه

محمد رضا سلطانی

مدرس دانشگاه

انتشارات قانون یار

۱۳۹۸

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

فهرست مطالب

پیشگفتار ۴

بخش اول ۲۱

مبانی و پیشینه گرایش به مجازات های

حبس و جایگزین های آن ۲۱

بخش دوم ۱۶۴

جایگزین های حبس در نظام حقوق

کیفری ایران ۱۶۴

نتیجه گیری ۲۹۹

منابع و مآخذ ۳۱۸

پیشگفتار

ناکامی و شکست زندان در توفیق به اهداف پیشگیرانه ، بازپرورانه و بازدارنده زمینه بروز و تشدید بحران تورم جمعیت کیفری را فراهم نموده است . مجازات حبس یکی از قدیمی ترین مجازات ها شناخته شده می باشد . مشکلاتی که زندان در پی دارد از جمله قطع ارتباط زندانی با جامعه که باعث می شود وی پس از آزادی، به دشواری مانند فردی عادی به زندگی ادامه دهد؛ همچنین هزینه های سرسام آوری که زندان برای دستگاه قضایی در پی دارد ، باعث شده است که نظام های کیفری مختلف راه هایی را برای رفع این مشکل پیش بینی کنند و بر این نکته تاکید کنند که جایگزین هایی مناسب

برای مجازات زندان در نظر گرفته می شود و از جمعیت زندانی ها کاسته می شود. این کار هم به نفع جامعه است و هم به نفع فرد. قانونگذار کشور ما هم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در این زمینه نوآوری های بسیاری داشته است و به جایگزین های حبس توجه ویژه ای کرده است که در قانون سابق وجود نداشت. از جمله نوآوری های این قانون؛ که فصلی مستقل را به خود اختصاص داده است مجازات های جایگزین را برشمرده است. از دیگر مواردی که در قانون مجازات اسلامی جدید می توان از آن به عنوان گامی در جهت حبس زدایی ذکر کرد، حبس خانگی و حبس های الکترونیکی است. در قانون مجازات اسلامی برای اولین بار

، نظام نیمه آزادی در نظام کیفری ما
وارد شده است. نظام نیمه آزادی شیوه
ای است که بر اساس آن محکوم می
تواند در زمان اجرای حکم حبس ،
فعالیت های حرفه ای ، آموزشی ، حرفه
آموزی، درمانی و نظایر آن را در خارج
از زندان انجام دهد . سالیان متوالی است
مجازاتهای حبس با ایراداتی اساسی از
جمله مسائل مالی روبه رو است که
اندیشه جرم شناسان و حقوقدانان را به
خود مشغول کرده، چرا که با زندانی
کردن شخص هم نیروی انسانی را از کار
محروم کرده ایم هم هزینه گزاف جهت
ساخت ندامتگاه، خوراک، پوشاک و
غیره برای دولت به وجود آورده ایم. به
همین دلیل قانونگذار در قانون مجازات
اسلامی ۱۳۹۲ با وضع یک سری

قوانین، از جمله جزای نقدی روزانه، خدمات عمومی رایگان و ...
آنها با توجه به شرایطی از جمله سن، شخصیت انگیزه فرد قصد دارد از میزان تجمع زندانی در زندان ها کاهش دهد. تراکم کار دادگاهها، تورم جمعیت کیفری و تضعیف شدید کارکرد بالینی زندانها، استفاده از زندان و نظریه برچسب‌زنی (جرم شناسی واکنش اجتماعی) زمین‌ساز تکرار جرم از طریق فرهنگ‌پذیری از محیط زندان تلقی می‌شود. رفتار پلیس و قضات، نسبت به مظنونان و متهمان موجب تعامل «برچسب‌زننده» و «انگ‌زننده» می‌شود و برخوردهای سلیقه‌ای پلیسی -قضایی بزه‌کاران بیسابقه را به دنیای بزهکاری و کسب «هویت» مجرم سوق می‌دهد

زندان نهنها موجب اصلاح مجرمان
نمیشود، بلکه باعث جری شدن آنان
میشود و آثار سوء زندان بیشتر از آثار
مثبت آن میباشد، از این رو حقوق دانان،
خواستار کاهش مجازات زندان و یا
جایگزین نمودن مجازاتهای دیگری
هستند. انتقادهای وارد شده بر زندان و
عدم کارایی آن باعث مطرح شدن
جایگزینهای آن شده است تا بهتر بتواند
اهداف مجازات را برآورده سازد و از
جمله موجبات اصلاح و بازپروری مجرم
را فراهم آورد. موضوع جایگزینهای
حبس برای نخستین بار در کنگره
پیشگیری از وقوع جرم در لندن (۱۸۷۶
) مطرح شد، ولی پیگیری تحقق
برنامه‌های اجرایی آن عمدتاً به سال‌های
پس از جنگ دوم جهانی و تأسیس

سازمان ملل متحد باز می‌گردد. مجازات در اصطلاح به معنی عقوبتی است که به فردی که خلاف قانون، عرف، اخلاق و یا عادت رفتار کرده است، اعمال می‌کنند. از زمان‌های بسیار دور و در همه اجتماعات بر اساس قوانین و مقررات موضوعه این کیفر اعمالی شده و با پیشرفت جوامع و پیدایش علوم چون روانشناسی، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی، حقوق و... نوع این مجازات‌ها متناسب با جرم و عناوین مجرمانه دستخوش تغییر گردیده است. اشکالات وارده بر مجازات حبس: همواره زندانی کردن به عنوان یکی از مهمترین مجازات‌های تعیین شده در مقابله با فرد بزه‌کار بوده است که با هدف محدودیت و دور ساختن او از متن جامعه و صلب آزادی

به منظور انتباه صورت می پذیرفته است .
اما با وجود پیشینه طولانی کیفر حبس و
گستره وسیع آن در همه جوامع ،
اشکالاتی جدی بر این نوع مجازات وارد
است که کار آمدی آن را با تردید
مواجه می کند:

الف) جرم زا بودن محیط
زندان: زندان به عنوان محلی متمرکز
برای افراد خلاف کار، همیشه محل خلق
خلاف و جرم است . مجرمین مبتدی در
مواجهه با خلاف کاران حرفه ای و سابقه
دار فنون و روش های جدید را آموخته
و به کار می بندند .

ب) ایجاد مشکلات معیشتی و
اقتصادی : به موازات زندانی شدن یک
فرد ، زندگی سایر افراد تحت تکفل او
که پشتوانه مالی و اقتصادی خویش را از

دست می دهند با تزلزلاتی روبرو خواهد شد که این خود می تواند علت و انگیزه ثانویه بروز جرایم شود .

ج - معضلات اجتماعی : محبوس کردن اشخاص ، مشکلاتی اجتماعی را به دنبال دارد . از مهمترین آن ها تحت تاثیر قرار گرفتن بنیان خانواده فرد زندانی ، تغییر دیدگاه جامعه به او و خدشه دار شدن حیثیت اجتماعی اش ، می باشد .

د - تحمیل هزینه به دولت : دولت ها همواره می بایست هزینه های گزافی را در قبال اداره زندان ها پرداخت کنند که این مساله در نوع خود قابل تامل است . ضرورت مجازات های جایگزین حبس : بر این اساس امروزه در جهان لزوم پیش بینی و وضع ((مجازات

های جایگزین حبس)) نمود بیشتری یافته است .

از سویی اصلاحات و تغییرات انجام گرفته در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به ویژه مواد ۶۴ الی ۸۷ از فصل ۹ درباره مجازات های جایگزین حبس ، زمینه تحولی بزرگ را در این عرصه به وجود آورده که البته تحقق کامل آن سعی و اهتمام تمام نهادهای قضایی و سایر دستگاه های دولتی را می طلبد .لذا در این کتاب سعی خواهد شد به کارکردهای این جایگزینها بالاخص با عنایت به قانون مجازات ۱۳۹۲، پرداخته شود.

مجازات حبس به عنوان یکی از مجازتهای اصلی در قوانین جزایی اکثر کشورها از جمله ایران در گذشته و حال

بوده است. ولی در قرن بیستم علی الخصوص سالیان پس از جنگ جهانی دوم تحت تاثیر اقدامات جنبش دفاع اجتماعی با تاکید بر رعایت حقوق بشر و سازمان های بین المللی با صدور اسنادی مانند: میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶ و قواعد توکیو (۱۹۹۰) و نیز تحت تاثیر مطالعات سنجش، گستردگی استفاده از مجازات حبس زیر سوال رفته و سلب آزادی برای موارد مهم و خطرناک مجاز شمرده شده است. نتایج بدست آمده در این تحقیق با توجه به سوالات آن بیانگر موارد زیر بوده است: طبق آمارها و مطالعات انجام شده مجازات حبس از لحاظ نظری و عملی (ناتوانی در رسالت ها و اهدافش و مشکلات وارده بر زندان مانند مشکلات

اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و روانی) با بحران و ناکارآمدی روبرو بوده است.

حضرت علی (ع) می فرماید: «اگر از هزاران مجرم براءت حاصل شود؛ بهتر است از آن که فردی بی گناه به کیفر می رسد»

مجازات حبس تامدتها در مقایسه با مجازاتهای شدید بدنی، مجازاتی انسانی و وسیله ای مناسب برای اصلاح و درمان مجرمین تلقی میشد. اما با گذر زمان و ظاهر شدن کمبودهای این مجازات، رفته رفته دیدگاهها نسبت به زندانی نمودن مجرمین تغییر یافت. ناکارآمدی حبس در اصلاح و درمان مجرمین، تبدیل شدن زندان به محیطی برای یادگیری رفتارهای مجرمانه، هزینه های بالای نگهداری زندانیان برای کشور، آسیبهای ناشی از

زندانی نمودن سرپرست خانواده و تعارض آن با اصل شخصی بودن مجازاتها، برخی ایراداتی است که استفاده بی چون و چرا از مجازات حبس را با چالش جدی مواجه نموده است. از این رو تلاش برای بکارگیری سایر مجازاتها تحت عنوان جایگزینهای مجازات حبس مورد توجه کشورها و نظامهای حقوقی مختلف قرار گرفته است.

برای نخستین بار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ طی مواد ۶۴ الی ۸۷ قانونگذار با در نظر گرفتن فصلی مجزا تحت عنوان "مجازات های جایگزین حبس" اشاره کرده که بنظر می رسد بتواند نقش معناداری در کاهش جمعیت کیفری زندانیان کشور و

نتیجتاً حل معضلات تورم زندانیان حبس در پی داشته باشد. اشکالات گسترده در کنار شکست و ناکارآمدی عملی مجازات حبس و تردیدهایی که در مشروعیت نظری، مشکلات اقتصادی و تمرکز لازم بر مجازات زندان پدید آمده بود همه متفکران علوم کیفری را بر آن داشت که به دنبال جایگزین هایی برای مجازات حبس باشند. موج این تحولات جدید، اخیراً به کشور ما هم رسید که با تدوین قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مشخص شد که سیستم قضایی در صدد حل مشکل حبس محور نظام کیفری است. پس از لازم الاجرا شدن قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بحث جایگزین های حبس که قبلاً تعداد کمی از موارد جایگزین حبس مطرح بود ولی هم اکنون در قانون مجازات اسلامی

۱۳۹۲ قانونگذار صراحتاً به موارد جایگزین های بدل از حبس به صورت وسیع تری اشاره کرده است که ضمن اینکه پیش بینی می گردد که اگر جایگزینهای مناسب با نوع جرم معین و عملیاتی گردد هدف تعالی قانونگذار محقق شود و در مقابل نیز احتمال می رود که در مرحله اجرای این جایگزین ها؛ سیستم قضایی کشور با فقدان بستر مناسب روبرو گردد و در نهایت باعث عدم اجرای مناسب جایگزینها بشود که در این صورت هدف اصلی قانونگذار و نظام عدالت کیفری آنطور که می بایست محقق نشود .

در هر صورت مجازات های جایگزین حبس می تواند تعداد زیادی از زندانیان و یا حتی جرایم سبک را از زندان خارج کند و از پاره ای مشکلات که در اجرای

مجازات وجود داشت جلوگیری کند. در ایران اجرای این مجازات های جایگزین جدید و نوپا به نظر می رسد اما فکریهایی برای آن شده و دلیل نمی باشد که نباید راه را ادامه دهیم.

در این اثر علمی سوالات زیر طرح می گردد:

۱) موانع پیش رو در اجرای مجازات های جایگزین مطرح شده در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ چیست؟

۲) تا چه حد مجازات های جایگزین مطرح شده با سیستم قضایی و نظام فرهنگی ما همسو و هماهنگ است؟

۳) میزان تاثیر جایگزین های معرفی شده در قانون مجازات اسلامی ۹۲ در کاهش جمعیت کیفری زندان ها چیست

؟

فرضیه های سوالات فوق به شرح ذیل می باشند:

(۱) به نظر می رسد موانع پیش رو در اجرای مجازاتهای جایگزین حبس ؛ عدم پذیرش عمومی، فقدان بسترهای مناسب در سیستم قضایی کشور و جدید بودن این مجازاتها باشد .

(۲) به نظر می رسد مجازاتهای جایگزین حبس به یکباره وارد سیستم قضایی ما نشده است بلکه در قانون مجازات اسلامی سابق نیز یک سری مجازات های جایگزین پیش بینی شده بود و در قانون مجازات اسلامی ۹۲ توسعه پیدا کرده است .

(۳) از آنجائیکه با اعمال جایگزینهای مجازات حبس بطور طبیعی ، مجرمین برای تحمل مجازات وارد زندان می شوند به نظر می رسد جایگزین های

معرفی شده در قانون مجازات اسلامی
۹۲ می تواند کاهش قابل توجهی در
جمعیت زندان ها ایجاد کند .

بخش اول

مبانی و پیشینه گرایش به

مجازات های حبس و

جایگزین های آن

امروزه مجازات حبس در اغلب کشورهای جهان به مثابه مجازات اصلی با هدف اصلاح و درمان و باز اجتماعی کردن، نسبت به بزهکاران اعمال می شود. اما هم اکنون این مجازاتها اگر در موارد اندکی توانسته هدفهای اصلاحی و بازپذیری مجازاتها را برآورده نماید، ولی در اغلب موارد موفق نبوده است و خود جرم زا بوده و موجب تکرار جرم در سطح جامعه و خطرناکتر کردن مجرمان با درجه جرم زایی بیشتر در جامعه شده است. بعد از آنکه رسیدن به اهداف حبس در مواردی با شکست

روبرو شده و خود باعث ایجاد مشکلات جدیدی نیز شد ، زمینه های فکری جهت بازاندیشی مجازات حبس از سوی جرم‌شناسان و کیفرشناسان بوجود آمد . در این بخش تلاش شده ابتدا عوامل گرایش به حبس و دلایل نا کارآمدی عملی کیفر حبس مورد بررسی قرار گیرد و سپس جایگزین های حبس و در آخر نیز مفهوم ، شرایط و اهداف جایگزین های حبس مورد بررسی قرار خواهد گرفت .

فصل اول : مبانی،پیشینه و

عوامل گرایش به مجازات حبس

از مهمترین عوامل گرایش به جایگزین حبس، می توان محقق نشدن اهداف حبس را نام برد که در این فصل شرح داده می شود.

مبحث اول: مفهوم، پیشینه و

اهداف حبس

از بارزترین دستاوردهای مکاتب کیفری و حتی تفکرات جدید در خصوص ماهیت و اهداف مجازاتها، طرح تدریجی ولی قوی حبس یا سلب آزادی به عنوان یک مجازات می باشد.

گفتار اول: مفهوم و پیشینه حبس

بنظر می رسد مجازات حبس از جمله موثرترین و اربعابی ترین نوع مجازات در قوانین داخلی مطرح گردیده است. این نوع مجازات گذشته از تاثیرش بر محکومیت، از دید مردم، وکلا و قضات بعنوان مجازاتی است که می تواند یکی از اهداف مجازاتها که همان اربعابی بودن آن می باشد را تامین نماید، لذا این ویژگی بیشتر جلوگر شده است.

بند اول : مفهوم حبس

حبس یعنی جایی که محکومان و گناهکاران را در آن نگهداری می کنند .
معنی زندان در زبان پهلوی :
«زیندان»، «ارمنی» : زندن «، اوستی» :
«زیندون»، «بندی خانه، سجن، دوستاق،
دوستاقخانه، بند، محبس» .

مفهوم حبس با هر شکل و عنوانی که باشد عبارت است از سلب آزادی . این لفظ در فارسی به دو معنی کیفر و سلب آزادی و محل نگهداری محکوم بکار می رود و در عربی محبس گفته می شود . در عین حال لفظ سجن در هر دو زبان فارسی و عربی به معنی زندان یعنی محل اعمال کیفر سلب آزادی است .
مثلا لفظ مسجونین در قرآن کریم بکار رفته جایی که فرعون به حضرت موسی می گوید « : اگر خدایی غیر از مرا

پرستش کنی شما را زندانی می‌کنم_لا
جعلنک من المسجونین.» زندان‌ها به
طور قراردادی سازمان‌هایی هستند که
بخشی از نظام قضایی کشور محسوب
می‌شوند. از نظر قانونی واژه زندان به
دو نهاد مختلف اختصاص دارد :
بازداشتگاه؛ که مخصوص نگهداری
افراد در انتظار محکومیت یا کسانی که
هنوز حکم به آنها ابلاغ نشده است در
حالی که زندان؛ میزبان افراد دارای
محکومیت قطعی می‌باشد. در جایی
دیگر در تعریف زندان آمده است « :
زندان محلی است برای محکومانی که
حکمشان قطعی شده با معرفی مقامات
قضایی صلاحیت‌دار برای مدت معین
یا دائم به منظور تحمیل کیفر با هدف

حرفه آموزی ، باز پروری و

بازسازگاری نگهداری می شوند»

«بازداشتگاه محل نگهداری متهمانی

است که با اقرار کتبی مقامات صلاحیت

دار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی به

آنجا معرفی می شوند»

بند دوم: پیشینه حبس

اولین بار در دهه ۱۸۲۰ در کشور

آمریکا حبس به عنوان مرکز ثقل

عدالت کیفری مطرح شد در واقع

افرادی که می خواهند ویژگی های

آمریکاییان را بفهمند باید با سرمنشأ و

ریشه ها و توسعه زندان در این کشور

دست و پنجه نرم کنند با این همه تاریخ

زندان نشانگر تغییر آن در جوامع

بزرگتری است که در آن مسائل

اجتماعی و اجرایی و سیاسی نسبت به

مسائل انسانی دولتی تعیین کننده تر است. در زمان های گذشته مجازات ها توأم با قساوت و شقاوت هایی از قبیل زنده به گور کردن، سوزاندن، طعمه حیوانات درنده ساختن، گور کردن و انجام شکنجه های بدنی بود. در مجازات های مدرن و امروزی درد و رنج بدن محکوم هدف اصلی قانون گذار نیست. ابداع گیوتین در فرانسه، استفاده از قانون هوا در چین، شوک الکتریکی در آمریکا بر این بود که زندانی زیاد مرگ را حس نکند. به تعبیر میشل فوکو «بدن محکومان دارای شاه بود که داغ و نشان خود را بر آن می زد و آثار قدرتش را بر آن می کوبید. در قانون حمورابی که قدیمی ترین قانون مدون کیفری است و مربوط به حدود دو هزار سال قبل از

می‌لاد است مجازتها، اعدام بود یا قصاص عضو، در اجرای مجازات اعدام یا قصاص عضو برخلاف حاضر اصل شخصی بودن مجازات رعایت نمی‌شد و در مواردی به جای پدر فرزند مجازات می‌شده. در تعیین مجازات در قانون حمورابی عمد یا غیرعمدی بودن عمل مجرمانه نیز تاثیری در میزان و شدن مجازات نداشت آنچه که در این موارد اصل غیرقابل عدول بود اجرای حتمی مجازات علیه بزه‌کاران و یا خانواده او بوده. قانون حمورابی یا قانون سومر که مجازات های سنگین و قصاص توأم با شکنجه مجرم یا اعضای خانواده او را توجیه می‌کرد با وجود اینکه افکار فعلی بشر قرن بیستم و بیست و یکم این مجازات ها را وحشتناک می

شناسد با وجود این مجازاتها نسبت به دوره های قبل از خود که هیچ قاعده و قانونی بر اعمال و اجرای مجازات مجرمین حاکم نبود و عموماً به میل و اراده مجنی علیه در قبیله او انجام می شد بسیار پیشرفته محسوب می شد و در آن زمان دستاورد خوبی در جهت تکامل بود. یادآوری این تفاوت بسیار مفید خواهد بود که بدانیم در دوره های زمانی قبل از قانون حمورابی هدف از مجازاتها اعاده آبروی بزه دیده و تایید مجدد حیثیت او توهین به مجرم و خوار کردن او بود تا حدی که بزه دیده از اجرای مجازات احساس آرامش کند و لذت ببرد پس مجنی علیه آزادانه خشم خود را هر قدر که می خواست ارضا می کرد. این نوع مجازات ها قرن ها

ادامه داشت و در طول مدت اجرای آنها، زندان مکانی بود که متهمان در آنجا در نوبت محاکمه بوده و در بازداشت بسر می‌برند و اصولاً مجازاتی به نام زندان و حبس وجود نداشت و اگر هم در نقاطی زندان و حبس یافت می‌شد آن زندان به قدری غیربهداشتی بود که کسی از آن جان سالم به در نمی‌برد. با گذشت زمان اندیشه استفاده از نیروی کار مجرمان به وجود آمد و در کنار مجازات‌های گفته شده مجازات‌های جاشویی در کشتیهای پاروئی و کار در معادن و مزارع باغل و زنجیر رواج پیدا کرد. این گونه محکومان شب‌ها در سلول انفرادی یا جمعی و در سکوت مطلق نگهداری می‌شدند آنها حق نداشتند با یکدیگر صحبت کنند و

روزها در سکوت کار طاقت فرسا می کردند. این مجازتها ادامه داشت تا قرن هیجدهم که فکر و اندیشه حقوق و آزادی های فردی در اروپا به دست فلاسفه و نویسندگان طرح و انتشار یافت. در اثر تلاش های فراوان مونتسکیو و بکاریا و بنتام و ولتر پس از چند دهه در اثر تحول در حقوق کیفری و مجازاتها مجلس موسسان فرانسه مجازات جاشویی و پاروزنی را حذف کرد. غیر از اعدام تمام مجازاتهای بدنی تحت تاثیر افکار و اندیشه های منتشر شده لغو شد و مجازات سالب آزادی یعنی حبس جایگزین شد ولی محکومان در پادگانهای قدیمی بطور فشرده و متراکم که به طور قطع بهداشتی هم نمی توانسته باشند زندانی می شدند. مکان

های نگهداری محکومان در ابتدای
وضع مجازات حبس برای این منظور
ساخته نشده بودند و دولت فرانسه با
توجه به تغییر ناگهانی روش مجازاتها
ناچاراً از دیرها و پادگانها به عنوان
زندان استفاده نمود با توجه به آمادگی
ذهنی دولت برای انجام تغییرات بیشتر
در وضع زندانیان، بنتام طرح و نقشه یک
زندان الگو را تهیه کرد و به مجلس
قانونگذاری فرانسه ارائه کرد این طرح
مورد استقبال قرار گرفت و در همین
دوران در کشورهای زیادی ساخت
مکانی به نام زندان با نقشه خاصی اعم
از انفرادی یا جمعی شروع شد. بدین
ترتیب می توان گفت که زندان و حبس
از قرن ۱۸ به عنوان نوعی مجازات به
رسمیت شناخته شد و جایگزین مجازات

های بدنی سابق شد از قرن هیجدهم که این تحول آغاز شد نویسندگان و فیلسوفان موفق شدند طرح جدیدی در روش مجازات ها ارائه کنند و به دولت ها بقبولانند آنها در ادامه افکار خود هدف مجازاتها را مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار دادند و برای مجازاتها به جای انتقام گیری و سزادهی، اهداف فایده اجتماعی و منع افراد از ارتکاب مجدد جرم ترسیم نمودند. تلاش برای بهبودی وضع زندانیان، گام بعدی حرکت نویسندگان حقوقی و اجتماعی و فلاسفه شد که تا به امروز ادامه دارد اما نکته مهم در شرایط فعلی این است که به نظر می رسد متخصصان ما در رشته های جرم شناسی و جامعه شناسی و دیگر علوم مرتبط برای بهبود وضع

زندانیان و به عبارت درست تر بهبود
وضع مجرمان یک ماراتن پایان ناپذیری
را شروع کرده اند. بطوری که هر یک
سعی دارند در تلطیف وضع مجرمان از
دیگری سبقت بگیرد و جامعه را به
سمت مهربانی با مجرمان سوق دهد
بدون اینکه به پایان این مسابقه و تلطیف
و مهربانی در مجازات ها با وجود
شکست در کاهش جرائم بیندیشد در
قرن هیجدهم در واقع نویسندگان و
فیلسوفان به وضع وحشتناک مجرمان و
رفتار وحشیانه به آنها اعتراض می
کردند و آنچه که آنها می خواستند
رفتار غیر وحشیانه و غیر ضروری و بی
فایده با مجرمان بود که در عمل و با
توجه به امکانات آن زمان راهی غیر از
انتخاب زندان به عنوان جایگزین

مجازات های غیرانسانی رایج نبود. روحانیون مسیحی اولین کسانی بودند که با ابراز تنفر از خونریزی خواستار تعدیل مجازات شده و مجازات حبس را به جای کیفر اعدام توصیه کردند و در سال ۸۱۷ میلادی مورد قبول مجمع روحانیون مسیحی در رم واقع شد که زندانها باید جنبه اصلاحی و تربیتی داشته باشند و برای نیل به این هدف ، زندانیان باید به صورت انفرادی نگهداری شده ، به آنها کار دستی نشان دهند و روحانیون آنها را ارشاد کنند، که این تنهایی برای زندانیان باعث زجر شده و دلیلی می شد که زندانی از کردار خود پشیمان گردد و تزکیه روح یابد که اجرای این روش باعث تغییر نام زندان به ندامتگاه شد.

مفهوم کلمه زندان تحت عنوان یسجن ، امسک، وقف ، در آیات متعدد قرآن کریم ذکر شده است : ثم یدالهم من بعد ما راوا الایات لیسجن حتی حین آنان که دلایل روشن پاکدامنی و عصمت یوسف را دیدند باز چنین صلاح دانستند که یوسف را چندی زندانی کنند و به حبس فرستادند.

گفتار دوم:اهداف حبس

در طول سال های اخیر این موضوع توجه بسیاری از دانشمندان را به خود جلب کرد که چرا واقعا زندان؟ در نهایت می توان مهمترین اهداف زندان را

می توان :ناتوان

سازی،بازدارندگی،سزادهی،اصلاح و باز پروری و غیره برشمرد.لذا سعی شده

است در این گفتار این موارد شرح داده
بشود .

بند اول: ناتوان سازی

دست کم در دوره ای که یک زندانی
در زندان به سر می برد قادر نیست به
افرادی که در خارج از چهارچوبه ی
دیوار زندان هستند آسیبی برساند . تا این
حد زندان به کاهش بزه کمک می کند
ولی این تأثیر چندان قابل توجه نیست
زیرا همه آنها به ماهیت تاریخی حرفه
های بزهکارانه بر می گردد . اغلب بزه
ها و جرم های خطرناک با چرخش
زندگی در نوسان هستند یعنی تمایل به
خشونت در مدل های میان سن های
پانزده و شانزده سال شکوفا می شود و
در سن بیست سالگی به اوج خود می
رسد و در سن سی سالگی رو به کاهش

می نهد. بنابراین در تحقیقات بعمل آمده می توان نشان داد که زندان در بیشتر جرایم که همواره با خشونت همراه است برای جلوگیری از تداوم این خشونت ها زندان می تواند نقش ناتوان سازی افراد را داشته باشد این ناتوان سازی به ویژه می تواند در مجرمین خطرناک و سابقه دار متمر ثمر باشد که ضمن کنترل اینگونه افراد جامعه را از لوس آنها پاک نگه می دارد ولی افراد با توجه به ماهیت خانوادگی خود این ناتوان سازی می تواند در آنها تأثیر گذار باشد برخی مجرمان هستند که به محض آزادی از زندان دوباره دست به اعمال خشونت زا و حتی تلافی جویانه و ارتکاب به بزه می پردازند در بعد سیاسی نیز زندان نقش آرام سازی و

ناتوان سازی را می تواند ایفا کند مثلاً در شورش هائی که در کشورها اتفاق می افتد دولتمردان از زندان جهت ناتوان سازی عناصر شورش و کنترل اوضاع و احوال کشور استفاده می کنند .

بند دوم: بازدارندگی

نظام عدالت کیفری در مجموع تأثیری بازدارنده یا کاهنده بر رفتارهای بزهکارانه دارد که لزوم اجرای عدالت کیفری نیز اجرای مجازاتها می باشد زندان یا حبس نیز یکی از مجازاتهایی است که در خصوص برخی جرایم به اجرا گذاشته می شود اجرای مجازات زندان برخی از شهروندان و زندانیان را از ارتکاب به بزه و جرم باز می دارد و می توان گفت حالت بازدارندگی دارد

تحقیقات نشان می دهد در سطح جامعه اکثر مردم به علت ترس از زندان دست به ارتکاب به جرم نمی زنند و زندان رفتن را نوعی آبروریزی و در کل یک ناهنجاری می دانند که برای خود و حتی خانواده آنها بسیار سنگین می باشد. زندان علاوه بر آنکه می تواند حالت بازدارندگی داشته باشد محلی است جهت تأدیب زندانیان ، که با دیدن زندان و محبوس بودن در آن و شرایط زندان می تواند از ارتکاب مجدد زندانیان به اعمال خلافکارانه جلوگیری کند که این خود نیز یک حالت بازدارندگی از ارتکاب مجدد به جرایم می باشد ولی زندان در کنار اینکه می تواند حالت بازدارندگی داشته باشد می تواند از سوی دیگر و به همان اندازه

زندانیان دیگر را در بزهکاری غرق کند
چرا که زندان محلی است که زندانیان با
انواع جرایم مختلف در آن به سر می
برد و زندانی که با یک نوع جرم وارد
زندان شده با همنشینی با دیگر جرایم و
زندانیان دیگر تحت تأثیر آنها قرار می
گیرد و با دیگر جرایم نیز آشنا و راه و
روش دیگر جرایم را یاد می گیرد و
ممکن است بعد از آزادی از زندان
بخاطر جرایم دیگر به زندان باز گردد
زندان در صورتیکه همراه با اقدامات
اصلاحی و تربیتی باشد و زندان بعد از
آزادی نیز مورد حمایت قرار گیرد می
تواند حالت بازدارندگی خود را حفظ
کند و مثمر ثمر واقع شود .

بند سوم: سزا دهی یا کفاره

قانون قصاص ریشه در تحدید مجازات دارد و این بدان معنی نیست چشمی در برابر چشمی یا زندگی در برابر زندگی بلکه یک چشم در برابر یک چشم و یک زندگی در برابر یک زندگی «ان النفس بالنفس والعین بالعين» «نه شکنجه و سپس مرگ» «سنجش میزان دقیق کفاره کار آسانی نیست و حس انتقام گیری بزه دیده نمی تواند حد مجازات را تعیین کند چرا که فهم و درک بزه دیده در زمان وقوع حادثه با زمان چند ماه پس از آن ممکن است تغییر کند. بدین دلیل اعمال مجازات تحت نظر قانون است و مانع از کینه ورزی طولانی می شود. این درحالیست اعمال مجازات در جامعه نوین برای اکثریت شهروندان ناکافی است.

بند چهارم: اصلاح و بازپروری

کاملاً معقول به نظر می رسد که تا هنگامی که زندانی در زندان به سر می برد و قتش باید صرف آماده سازی وی برای بازگشت به یک زندگی قانونمدارانه به هنگام آزادی باشد تا این حد اصلاح یکی از اهداف معمول حبس و زندان می باشد زندان در صورتی می تواند به عنوان ابزاری برای اصلاح و بازپروری زندانیان در آید که برنامه های اصلاحی و آموزشی در زندانها ارائه شود و با ارائه برنامه های آموزشی از جمله برگزاری کلاس های آموزشی از قبیل مثبت کاری ، خیاطی ، مکانیکی ، قالببافی ، کامپیوتر و غیره و با سرگرم نمودن زندانیان به این کلاسها می توان هم از گذراندن وقت زندانیان

به بطالت جلوگیری کرد و هم با ارائه مدارک به آنها بعد از آزادی از زندان بتوانند با استفاده از مدارک زندگی خود را اداره نماید از دیگر برنامه ها، برنامه های اصلاحی است که با برگزاری مسابقات ورزش و مسابقات علمی در بین زندانیان ، برگزاری مراسمات مذهبی و تشویق زندانیان در شرکت در این مراسمات و همچنین تشویق اینگونه زندانیان با اعطای مرخصی ، ملاقات های حضوری و اهداء جوایز می توان در خصوص رسالت سازمان زندانها که اصلاح و تربیت زندانیان می باشد گام موثری برداشت .ولی به هر حال این موارد زندان را توجیه نمی کند در واقع زندان محلی ناکارآمد و نامناسب برای

اقدامهای اصلاحی یعنی اقدامهای آموزشی ، روانشناختی و سازگاری اجتماعی است . زیرا آموزش برای آزادی در داخل قفس کار بسیار دشواری است .

مبحث دوم:عوامل عملی و نظری موثر بر طرح و گرایش به جایگزین های حبس و مبنای آن:
امروزه مجازات حبس در اغلب کشورهای جهان به مثابه مجازات اصلی با هدف اصلاح و درمان و باز اجتماعی کردن نسبت بر بزهکاران اعمال می شود، اما هم اکنون این مجازات اگر در موارد اندکی توانسته هدفهای اصلاحی و بازپروری مجازات ها را برآورده نماید ولی در اغلب موارد موفق نبوده و خود جرم زا بوده و موجب تکرار جرم در سطح جامعه و خطرناک تر کردن

مجرمان با درجه جرم زایی بیشتر در جامعه شده است. به دنبال شکست جرم شناسی اصلاح و درمان و جرم زا بودن زندان، هزینه های اقتصادی زیاد آن و تراکم جمعیت کیفری زندان و غیره، زمینه هایی در جهت بازاندیشی مجازات حبس از سوی کشورهای مختلف و به دنبال آنها نهادهای بین المللی از قبیل سازمان ملل متحد (به عنوان مثال، مقررات توکیو) و شورای اروپا انجام شده است. که در مورد حبس سعی شده است از آن به عنوان آخرین حربه استفاده شود و نیز به تدریج جایگزین های آن توسعه یافتند. در مورد عوامل عملی و نظری موثر بر طرح جایگزین های حبس باید گفت:

از دهه ۱۹۶۰ تاکنون عقاید سنگینی علیه مجازات حبس ابراز شده است و

این امر اساساً به دلیل مشکلاتی از قبیل تورم جمعیت کیفری زندانها، بالا رفتن میزان جرائم و بالا رفتن هزینه های عمومی بوده است که منتهی به عدم مشروعیت مجازات حبس و پیدا کردن جایگزین برای آن شده است . کیفر حبس دیگر امروزه کارایی ندارد و اثرات زیان بار آن بیشتر از فواید و منافع اجرایی آن است، به همین دلیل جایگزین های مناسب برای کیفر حبس پیش بینی شده است تا اینکه جایگزین ها بتوانند اثرات زیان بار کیفر حبس را از بین برده یا اینکه از اثرات آن بکاهد . این دلایل بخشی به اهداف کیفر حبس بر می گردند و بیانگر این امر می باشند که کیفر حبس نتوانسته اهداف مورد نظر اصلاح و درمان و ارباب و باز دارندگی را برآورده نماید و بخشی

دیگر از این دلایل نیز بر نقش کیفر حبس و شیوه اجرا آن برمی گردند. به عبارت دیگر، محیط زندان و قیود و شرایط حاکم بر آن «جرم زا بودن زندان -هزینه های اقتصادی، مشکلات بهداشتی و روانی» باعث می شود تا مخالفان به فکر ایجاد روش های جایگزین مناسب برای کیفر حبس باشند. به عبارت دیگر، اینها باعث می شوند که کیفر حبس نتواند آن رسالت و اهداف مورد نظر را برآورده نماید، به عنوان مثال جرم زا بودن محیط زندان و تراکم جمعیت و کمبود فضا باعث شکست برنامه اصلاح و درمان در زندان می باشد. عمده دلایل عملی عدم مشروعیت مجازات حبس که از سوی مخالفان ارائه شده است، ذیلاً مورد بحث قرار می گیرند که عبارتند از:

به دنبال شکست جرم شناسی اصلاح و درمان و جرم زا بودن زندان ، هزینه اقتصادی زیاد آن و تراکم جمعیت کیفری زندانیان و غیره ، زمینه هایی در جهت بازاندیشی مجازات حبس از سوی کشورهای مختلف و به دنبال آنها، نهادهای بین المللی از قبیل سازمان ملل متحد و شورای اروپا انجام شده است که در مورد حبس سعی شده است از آن به عنوان آخرین حربه استفاده شود و نیز به تدریج جایگزینهای آن توسعه یافتند . با توجه به تاریخچه بوجود آمدن مجازات حبس و موارد بکارگیری آن به روشنی می توان فهمید که حبس از آن دسته مجازات هایی است از قدیم الایام تا کنون به شکل های مختلف اجرا می شده و دچار تحول و تغییراتی گردیده . امروزه